

کمونیسم چیست؟

کاظم نیکخواه

مندرج در انترناسیونال ۹۲۲

از پادکست اندیشه و سیاست

کمونیسم یک جنبش، یک سیستم، یک مبارزه و تلاش برای انسانی کردن جامعه است. برای اینکه بجای سود و سود اندوزی و قانون سود، پاسخ به نیازهای همه انسانها به مرکز جامعه بیاید و به محور و هدف جامعه تبدیل شود. برای اینکه جامعه از اساس انسانی شود و ثروتها و امکانات در خدمت انسانها قرار بگیرد. کمونیسم جنبشی است متعلق به طبقه کارگر علیه استثمار و علیه سلطه یک طبقه یعنی طبقه سرمایه دار بر اکثریت مردم. آنچه که کمونیستها دنبال میکنند در واقع آرزو و خواست قلبی اکثریت مردم است. همه مردم میخواهند که در رفاه زندگی کنند، در امنیت زندگی کنند، منزلت و حرمت داشته باشند، مورد استثمار و ستم و تبعیض قرار نگیرند، کسی بر آنها سلطه و حاکمیت نداشته باشد و به آنها زور نگوید.

کمونیستها در صف مقدم تمام جنبشهای اعتراضی و حق طلبانه حضور دارند. جنبش علیه تبعیض و برای حق رای زنان، جنبش حقوق کودک، جنبش کارگری، جنبش رفع ستم ملی، جنبش علیه اعدام، جنبش علیه دستگیری و زندان. در همه اینها تاریخ نشان میدهد که

کمونیست‌ها جلوی صف بوده اند و هستند. چهره های اصلی این جنبش‌ها چپ و کمونیست و سوسیالیست‌ها بوده اند و هستند. بخاطر اینکه همه این تعدیات از عملکردهای سرمایه داری برای تفرقه در صفوف کارگران و مردم برای بقاء خود است. سرمایه با همین تبعیضات و تفرقه ها و ستمگری ها به حاکمیت و سلطه خود بر کارگران و کل جامعه ادامه میدهد. بی تردید بدون حضور فعال کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها این جنبش‌ها نمیتوانند و نمی توانستند به جایی برسند.

رفع ستم و استثمار و زندگی کردن در امنیت و رفاه، خواست قلبی همه مردم است. بشر یک موجود اجتماعی است. یعنی آدم‌ها دور هم جمع میشوند که راحت تر و امن تر زندگی کنند. که قدرت و نیرویشان را علیه طبیعت و نیروهای وحشی و خصومت آمیز طبیعت بیشتر کنند. اما از مقطعی از رشد جوامع یعنی از زمانی که قدرت تولیدی انسانها افزایش یافت و تولید مازاد بر نیاز پایه ای شخصی امکان پذیر شد، از درون خود جوامع نیروهایی سر بر آوردند که برای تصاحب این مازاد بیشترین رنج و ستم و درد را به بشر وارد کرده

اند و میکنند. تاریخ جنگها را نگاه کنید. تاریخ برده داری تاریخ فئودالیسم و زمین داری تاریخ جنگهای مذهبی، تاریخ اشرافیت و شاهان، تاریخ سرمایه داری و پاکسازیهای قومی و ملی. ابعاد فجایعی که یک بخش از جامعه یک اقلیت بر اکثریت مردم وارد کرده اند و میکنند برآستی آنقدر وسیع و گسترده و فجیع است که در مخیله و محاسبات نمیگنجد. میزان کشتارها، میزان قحطی ها، میزان شکنجه و زندان کردنها، میزان آوارگیها، میزان تحقیر و توهین ها. ابعاد چنین فجایعی شوکه آور و تکان دهنده و غیرقابل وصف است.

توجیه وضع موجود

داستان چیست؟ چرا اینگونه است؟ چرا بشر باید اینهمه درد و رنج و جنایت و فاجعه و بی عدالتی و زورگویی را تحمل کند؟ بعضی ها میگویند طبیعت و طینت بشر همین است و کاری نمیشود کرد. میگویند بشر میتواند فقط به همین گونه زندگی کند. باید کنترل شود و تحت سیطره باشد و اگر نیرویی بالای سرش نباشد هرج و مرج میشود. بی بندوباری میشود. سنگ روی سنگ

بنا نمیشود. این طینت بشر است. باید زور بالا سرش باشد. واقعا جالب نیست؟ هرج و مرج بی بندوباری! طینت بشر!! اینها را بهانه میکنند که بیشترین رنج و ظلم و جنایت و تعدی را به اکثریت مردم تحمیل کنند. یک عالمه مردم فریبی و دروغ در تک تک این جملات و کلمات نهفته است.

یک موقعی وقتی کسی میگفت چرا باید میلیونها انسان به عنوان برده ملک و دارایی ادمهای دیگری باشند و تا سر حد مرگ به کار کشیده شوند عده ای می گفتند دنیا همین است. کاری نمیشود کرد. اما سیستم برده داری و دوره برده داری، علیرغم این حرفها از بین رفت و بردگان آزاد شدند و از حقوقی اساسا برابر بقیه برخوردار شدند. در مورد بی حقوقی زنان و ستم و تبعیض علیه زنان هم همین را میگفتند در مورد اینکه چرا باید شاه و خلیفه و حاکم و مستبدین بالای سر مردم باشد نیز همین را می گفتند که دنیا همین است. و گویا بشر باید زور بشنود. مذهب، ناسیونالیسم، ایدئولوژیهای خرافی، تعصبات و کل تفکرات غیر علمی و ارتجاعی را هم به خدمت میگیرند تا مردم را به همین اوضاع غیر عادلانه

و ستمگرانه قانع کنند یا به وضع موجود تسلیم کنند. بگویند کاری نمیشود کرد. حتی شمایی که این وضع را قبول ندارید! راهی جز تسلیم برای شما قابل تصور نیست! عده ای از مردم هم تسلیم میشوند و یا قبول میکنند و میگویند کمونیست‌ها خیالپردازی میکنند.

کمونیسم یک جنبش سیاسی و اجتماعی است که این وضع را قبول ندارد و این نوع استدلالات را هم به هیچ وجه نمی‌پذیرد. کمونیسم این اوضاع را مطلقاً طبیعی و ازلی و ابدی نمیداند. و نشان میدهد که اتفاقاً آنچه که غیر قابل دوام است همین نظم و بی‌منطقی سیستم موجود است. سرمایه‌داری دچار بحران لاینحل و لاعلاج است و مدام دارد به سمت بن‌بست کامل پیش میرود. و هرچه بیشتر به بن‌بست نزدیک میشود جنایات، فجایع و تعدیاتش علیه مردم هم بیشتر میشود.

بن‌بست؟ بله بن‌بست. بن‌بست سود، بن‌بست ناسیونالیسم. برای نمونه نگاه کنید! دنیای امروز دنیای تکنولوژی و اختراعات و ارتباطات همه‌جانبه و هر روزه مردم از سراسر جهان با همدیگر است. اما سرمایه‌داری

در چارچوب تنگ ملت و ناسیونالیسم و تعصباتی از این قبیل اسیر است. با چنگ و دندان میخواهد مرزهای تنگ ملی و جدایی‌ها را حفظ کند. خوب، روشن است که این با دنیای ارتباطات و دهکده جهانی نمیخواند و مدام دچار تناقض میشود. برگزیت! ملت من! پروتکشنیسم! ترامپیسیم، فاشیسم! همه اینها و هزاران نمونه دیگر از تعصبات ملی و ناسیونالیستی و ارتجاعی، تلاش و تقلای مدافعان سرمایه داری برای جلوگیری از بهم پیوستن بشریت و کنار رفتن مرزهاست. و این مدام سرمایه داری را دچار تناقضات بیشتری میکند. بعلاوه سرمایه از درون دچار تناقضات جدی تری است. تناقض سیستم سود و رقابت و انحصاری شدن سرمایه‌ها و غیره.

طبقه کارگر علیه سیستم موجود

کمونیسم جنبشی است علیه سرمایه داری، علیه سلطه سرمایه. علیه استثمار کارگران توسط سرمایه داران. کمونیسم نشان میدهد که طبقه کارگر مدام با استثمار شدید سرمایه مواجه است و به فقر بیشتر رانده میشود و در عین حال تولید اجتماعی زمینه‌های اتحاد

کارگران را مدام بیشتر فراهم میکند و کارگران قدرت بیشتری مقابل سرمایه بدست می آورند. بقول مانیفست کمونیست سرمایه گورکنان خود را می پروراند. از دل این تناقضات سرمایه داری کمونیسم سر بر آورده و به همین دلیل پاسخ عینی و تاریخی به این اوضاع است.

طبقه کارگر ناچار است خود را از ستم و استثمار خلاص کند چون مدام بیشتر و بیشتر به گرسنگی و فقر محکوم میشود و برای دفاع از زندگیش باید با این سیستم بجنگد و نهایتاً به این سیستم پایان بدهد. طبقه کارگر در عین حال این قدرت و امکان را دارد که خود را خلاص کند و این وضع را از اساس دگرگون کند. چونکه گلوگاه سرمایه در دستان کارگر است. با یک اعتصاب سراسری کارگران میتوانند کل سرمایه داری و نهادها و دستگاهها و ارتش و بوروکراسی اش را فلج کنند. هیچ طبقه ای در تاریخ چنین موقعیت و قدرت اجتماعی ای نداشته است.

بنابراین کافی است که کارگر آگاه و متشکل شود تا بتواند خود را از استثمار سرمایه داری خلاص کند.

و ناچار است خود را از شر سرمایه خلاص کند. چون سرمایه مدام کارگران را بیشتر و بیشتر به ورطه فقر و محرومیت و مشقت میکشاند. این نقطه کلیدی در بحث کمونیسم مارکس است: طبقه کارگر قدرت اصلی به زیر کشیدن سرمایه داری است.

انقلاب، دولت و حزب

چند نکته مهم دیگر هم در کمونیسم کلیدی و لازم به تاکید است:

اولا طبقه کارگر اساسا با انقلاب میتواند از شر سرمایه داری خلاص شود. آن اقلیت حاکم با پلیس و ارتش و قوه قضائیه و زندان و کلا نیروی دولتی و سرکوبش با تلاش و تحرک کارگران و مردم برای خلاصی مقابله میکند. در نتیجه باید این قدرتش را با قیام و انقلاب در هم شکست و عقب راند.

دوما طبقه کارگر برای اینکه خودش را رها کند باید کل جامعه را رها کند. به همین دلیل همانطور که اشاره

کردم کمونیست‌ها در تمام اعتراضات و تلاش‌های بخش‌های مختلف مردم علیه فقر، علیه ستم و تبعیض علیه زنان، علیه اعدام، علیه سنگسار علیه مذهب در دفاع از حقوق کودکان و مردم و همه اینها، کمونیست‌ها به عنوان نمایندگان طبقه کارگر جلوی صف همه این اعتراضات هستند و ستون اصلی این اعتراضات هستند. انقلابی که کمونیست‌ها دنبال میکنند ماهیتاً یک انقلاب کارگری و از نظر نیروی متشکله اش یک انقلاب همگانی و مردمی است یعنی بخش اعظم مردم را در بر میگیرد. طبقه کارگر باید توده مردم محروم را علیه سیستم حاکم به حرکت در آورد و رهبری کند

نکته مهم دیگر این است که طبقه کارگر به رهبری و سازماندهی همه جانبه نیاز دارد که بتواند چنین حرکت عظیمی را سازمان دهد و به پیش ببرد و به پیروزی برساند. و این رهبری حزب است حزب طبقه کارگر، حزب کمونیست. حزب مبارزات بخش‌های مختلف طبقه کارگر را هماهنگ میکنند، استراتژی و تاکتیکها را روشن میکند و راه نشان میدهد، تئوری و سیاستها را در هر دوره ای روشن میکند، و دوست و دشمن را در

هر مقطعی نشان میدهد و الی آخر.

یک نکته مهم دیگر در کمونیسم مساله دولت است. همانطور که گفتیم دولت ابزار سرکوب است. ابزار سرکوب طبقاتی. تمام دولتها ابزار سرکوب اکثریت مردم توسط اقلیت حاکم هستند. طبقه کارگر با انقلاب خودش قدرت سیاسی حاکم را در هم میکوبد و خودش قدرت سیاسی را بدست میگیرد. یعنی بجای قدرت حاکم یک حکومت کارگری، دولت سوسیالیستی ایجاد میکند. حکومت کارگری هم یک ابزار سرکوب طبقاتی است. اما این حکومت اقلیت بر اکثریت نیست. بلکه برعکس حکومت اکثریت علیه اقلیت و برای عقب راندن و خنثی کردن تلاشهای آن اقلیت شکست خورده برای بازگرداندن و احیای سیستم استثمار است. به همین دلیل حکومت کارگری موقت و گذراست. به همان درجه ای که خطر بازگشت اوضاع رنگ می بازد و کمتر می شود حکومت کارگری هم ضرورت وجودیش را از دست میدهد و بتدریج کمرنگ تر میشود. بعبارت دیگر وقتی که دوره انقلابی تمام میشود حکومت کارگری هم ماموریتش تمام میشود.

شورا و اداره شورایی هم یک بحث کلیدی در کمونیسم است. کمونیستها طرفدار شوراها هستند. شورا تنها ابزار و شیوه شناخته شده و تجربه شده دخالتگری مستقیم همه مردم در سرنوشتشان است. ما با این سیستم که چند سالی یک بار یک انتخاباتی بشود و مردم رای بدهند و به خانه هایشان بروند و یک عده ای بنام نمایندگان مردم بر آنها حکومت کنند موافق نیستیم و این رایک ذره آزادی و حکومت مردم نمیدانیم. حکومت کارگری حکومت شورایی است و امکان میدهد که همه مردم مستقیماً در تصمیم گیریها دخالت کنند. نمایندگانشان را هر وقت بخواهند عزل و نصب کنند و در مورد مسائل روزمره جامعه مستقیماً تصمیم گیری کنند. اداره شورایی یعنی دخالت گری و تصمیم گیری مداوم و مستقیم مردم از طریق شورا هایشان در زندگی و سرنوشت خود.

و بالاخره این را هم اشاره کنیم که جامعه کمونیستی چه جامعه ای است:

جامعه کمونیستی جامعه ای بدون طبقات است. هر کس که در آن جامعه زندگی میکند به اندازه توانیش کار میکند یعنی همانقدر که میتواند، و به اندازه نیازش دریافت میکند. بقول مارکس از هرکس به اندازه توانش به هرکس به اندازه نیازش. این امکان امروز بیش از هر زمان وجود دارد که همه مردم زندگیشان از نظر رفاه، از نظر مسکن، از نظر درمان و آموزش و کلا از نظر امکانات و تسهیلات زندگی انسانی تامین شود، به شرطی که یک اقلیتی مدام چپاول و دزدی نکند و ثروتهای نجومی بهم نزنند و مردم را استثمار نکند.

ما وقتی عبارت کمونیسم کارگری را بکار میبریم منظورمان کمونیسم مارکس است که اساسش همین است که توضیح دادم. بخاطر اینکه جریانات مختلف بورژوائی و خرده بورژوائی، جریانات فرمیستی و ناسیونالیستی و امثالهم هستند که به دلایل اجتماعی مختلفی خودشان را کمونیست مینامند، ما کلمه کمونیسم کارگری را بکار میبریم تا تمایز خود را با همه اینها تاکید کنیم و روی همین نکات اساسی که گفتم تاکید محکمی بگذاریم و کمونیسم را به عنوان یک

جنبش اساسا متعلق به طبقه کارگر، یک جنبش انسانی
برای برپایی جامعه ای انسانی معرفی کنیم، جلو ببریم
و به موفقیت برسانیم.*

وب سایت:
www.wpiran.org

تقاضای عضویت و همکاری، ارسال پیام و
گزارش از طریق:

پیامگیر تلگرام: [@wpi_tamas](https://t.me/wpi_tamas)

و یا با ارسال پیام به شماره

۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

سیگنال، واتساپ و تلگرام

اینستاگرام